

# نگاهی آسیب شناسانه به پیشینه مباحث جدید کلامی در ایران

تاریخ دریافت: ۸۱/۸/۱۴

تاریخ تأیید: ۸۷/۸/۸

محمد مشهدی نوش آبادی\*

## چکیده

مفاهیم جدید کلامی که از غرب نشأت می‌گرفت، تقریباً از دوره امیرکبیر و سپهسالار، توسط منورالفکران در ایران مطرح شد و رفته‌رفته واکنش متکلمان را برانگیخت.

نخستین مباحث، در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی مطرح شد، که عبارت بود از آزادی، مساوات، قانون عرفی و منشأ مردمی حکومت. این مفاهیم از دوره مشروطه به بعد مورد دفاع متکلمان قرار گرفت.

پس از مشروطه نیز مباحثی چون علم و دین، ماتریالیسم دیالکتیکی و مارکسیسم به مسائل جدید کلامی افزوده شد.

بررسی آسیب‌شناسانه مواضع متکلمان نشان می‌دهد که غالب آنها به مسائل جدید آشنایی زیادی ندارند و به ندرت متکلمی در یک مسأله مورد بحث تخصص دارد. آنها با همان ابزار و معارف سنتی به نقد مسائل جدید می‌پردازند به کارکردهای مثبت این مسائل توجه نداشته، در برخی موارد به دلیل نا آشنایی با مسأله کلامی، مواضع متناقضی اتخاذ می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** کلام، آزادی، مساوات، قانون، علم و دین، داروینیسیم، ماتریالیسم، دیالکتیک.

## مقدمه

در پی دگرگونیهای فکری غرب بعد از رنسانس، تصویر جدیدی از جهان، جامعه، دین، انسان و حقوق فردی و اجتماعی آدمی ارائه شد که موجب پدید آمدن نظامها و جوامعی مبتنی بر دموکراسی، آزادی، مساوات و قانون گردید.

از اواخر سده هجدهم میلادی با آشنایی ایرانیان با تمدن جدید غرب رفته رفته این مفاهیم وارد ایران شدند و مباحث و چالشهای فراوانی برانگیختند. این مفاهیم جدید، زمینه‌های دگرگونی در ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی کشور را فراهم آوردند.

به طور کلی در انتقال، مطرح شدن و نهادینه شدن مباحث جدید در ایران، سه دسته نقش اصلی داشتند که عبارت بودند از: سیاحان، دولت‌مردان اصلاح‌طلب و منورالفکران.

۱- سیاحان ایرانی دوره قاجار که به طور مستقیم با پیشرفتهای و تحولات علمی و اجتماعی غرب آشنا شده بودند، دیده‌های خود را از تمدن غرب در قالب سفرنامه ریختند و برای هموطنان خود به ارمغان آوردند.

بیشتر محتوای این گزارشها موضوعاتی بود از قبیل: دانش و علوم جدید، پیشرفتهای فراوان در علوم تجربی، ریاضی و نجوم، خدمات رفاهی برای شهروندان، نظامهای سیاسی و اجتماعی جدید، آزادی و فروعات آن (آزادی مطبوعات، بیان، عقیده و تجمعات)، قانون و برابری همه شهروندان در مقابل آن، محدود بودن قدرت شاه در برابر قانون و نقش مردم در حکومت.

عبداللطیف شوشتری، ابوالحسن ایلیچی، آقا احمد کرمانشاهی، سلطان الواعظین و میرزا محمد صالح شیرازی از مشهورترین این سیاحان هستند. (حائری، صص ۲۷۵-۲۶۶)

۲- عامل دیگر، دولت‌مردانی بودند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با جوامع و کشورهای متمدن آشنا شده، سعی داشتند با برپایی نهادهای و مؤسسات تمدنی جدید، کشور را از بحرانها و مشکلاتی که همیشه گریبانگیر آن بود، نجات دهند و با ایجاد نهادهای سیاسی و مدنی به سبک مغرب زمین، به ترقی برسانند. این امر به وسیله عباس میرزا و قائم مقام فراهانی آغاز شد (الگار، ص ۱۲۱)؛ اما حرکت اصلی آن به همت

میرزا تقی‌خان امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار صورت گرفت.

انتشار روزنامه، ترجمه آثار دانشمندان و فیلسوفان غربی در علوم مختلف به زبان فارسی، تأسیس دارالفنون، اعزام دانشجویان به اروپا برای یادگیری علوم و فنون جدید، تدوین قانون اساسی، اصلاحات بنیادین در دستگاه قضائی، تشکیل دادگاههای عرفی، تأسیس مجلس مشورتخانه و وزرا از جمله فعالیتهای انجام شده در زمان این دولت‌مردان بود. (آدمیت، ۱۲۶۱)

۳\_ دسته دیگری که در آگاهی مردم از تحولات غرب و تبیین آن سهم بسزایی داشتند، منورالفکران بودند. این گروه که به خوبی با نظامهای اجتماعی و سیاسی غرب و معارف جدید آشنایی داشتند، با نفوذ در بدنه دستگاه سلطنت، دولت‌مردان اصلاح‌طلب را در رسیدن به اهدافشان یاری می‌کردند.

اما تلاش اصلی آنان تألیف مقاله و کتاب با الهام از آثار متفکران مغرب‌زمین بود. در این آثار، قوانین، مقررات، آرمانها و ارزشهای فردی و اجتماعی جدید تبیین و گاهی با قوانین شریعت مقایسه می‌شد. ضمن این‌که از این رهگذر به نقد آموزه‌ها و سنتهای دینی نیز می‌پرداختند.

منورالفکران ایرانی در تمام زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، دینی، فکری، اقتصادی، صنعتی، خدماتی و تعلیم و تربیت، داعیه اصلاح داشتند. همچنین این گروه اولین کسانی بودند که به تقابل علوم جدید و دین و شریعت اشاره کرده، خواستار بازبینی اساسی در باورها، قوانین و سنتهای دینی بودند.

مهمترین این منورالفکران و برخی از آثار آنان عبارتند از:

\_ میرزا فتحعلی آخوندزاده، صاحب آثاری چون *مکتوبات کمال الدوله*، *الفبای جدید* و *مقالات*. (آدمیت، ۱۲۳۹)

\_ میرزا ملکم‌خان ناظم الدوله، نویسنده آثاری چون *صراط مستقیم*، *ندای عدالت*، *قانون*، *دفتر قانون*، *کتابچه غیبی* و *اصول ترقی*. (آدمیت، ۱۲۳۹، صص ۱۲۱-۱۴۹)؛ یوسف‌خان مستشارالدوله، صاحب کتاب معروف یک کلمه. (همان، صص ۱۸۶-۱۹۷)؛

\_ آقاخان کرمانی مؤلف سه مکتوب، *صدخطابه* و *هشت بهشت* (آدمیت، ۱۲۵۵)؛

\_ عبدالرحیم طالبوف تبریزی نگارنده آثاری چون *آزادی* و *سیاست*، کتاب احمد

و *مسالك المحسنين*. (آدمیت، ۱۲۶۲)

## اولین مواجهه متکلمان با مباحث جدید کلامی

با طرح اندیشه‌های منورالفکران، مسائل مختلفی در ایران پدید آمد و واکنش عالمان و متکلمان مسلمان را برانگیخت. عمده‌ترین این مسائل در حوزه علوم اجتماعی عبارت بودند از: آزادی، مساوات، قانون، حکومت مردم، دین، سیاست و مارکسیسم.

در حوزه علوم تجربی نیز مسأله ماتریالیسم و علم و دین مهمترین مسائل بودند. اساسی‌ترین و اولین مواجهه جدی عالمان مسلمان با مسائل کلامی در حوزه علوم اجتماعی، در عصر مشروطه صورت گرفت و واکنش منفی و مثبت آنان را برانگیخت.

برخی از موضع نفی برآمده، این نهضت اجتماعی را از اساس با شریعت مخالف می‌دانستند که مهمترین این مخالفان، شیخ فضل الله نوری بود. او آثاری نیز در مورد مشروطیت تحریر کرد که از جمله آنها می‌توان رساله در حرمت مشروطیت را نام برد. نوری با رد تمامی مسائل جدید مطرح‌شده در حوزه اجتماع، به‌رغم کارکردهای مهم و اساسی مسائلی چون آزادی، مساوات و قانون و... و بدون توجه به تحولاتی که در شیوه معیشت و زندگی اجتماعی مردم رخ داده است، در واقع نقش دین را در جهان امروز نادیده گرفته، آن را به حاشیه می‌راند.

اما بیشتر عالمان دینی آن عصر که از به حاشیه رفتن دین در عرصه اجتماع نگران بوده، به کارکردهای آن مسائل آگاهی داشتند، برخورد مثبتی با جریان مشروطه داشتند و برای اصولی چون، آزادی، مساوات، نظارت مردم بر اعمال دولتمردان و... شواهدی از قرآن و سنت ارائه می‌کردند. البته این دسته از عالمان در آثار خود، این مفاهیم را بیشتر در چارچوب شریعت طرح کرده، تعاریفی دینی از آنها ارائه می‌کردند که معمولاً با مفهوم غربی آنها تفاوت داشت. از این‌رو در پاره‌ای از مواقع، دچار تناقض می‌شدند. مهمترین آثاری که در این زمینه تألیف شد، عبارت بود از تنبیه الامه و تنزیه الاملة نائینی و رساله انصافیة مدنی.

در مورد میرزا محمدحسین نائینی باید گفت: گرچه وی مفاهیم جدید را در چارچوب شریعت معنا و تفسیر می‌کرد و برخی مواقع نیز به درک معنای اصلی

برخی از این مقولات همانند تفکیک قوا موفق نمی‌شد، به طور عمیقی از کارکرد این مفاهیم با خبر بود. از طرفی دیگر، بر نارساییهای سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی کشور آگاهی داشت. وی همه مشکلات کشور را ناشی از استبداد دینی و سیاسی می‌دانست و حل آن را در گرو رعایت قوانین و حقوق اساسی فرد و تاسیس نهادهای مدنی از جمله مجلس شورای ملی می‌پنداشت.

صاحب رساله انصافیة ملا عبدالرسول مدنی کاشانی نیز که با آثار منورالفکران آشنایی خوبی داشت، نسبت به نائینی، تعاریف و تفاسیر مترقی‌تری از مفاهیمی چون آزادی و قانون ارائه می‌کرد.

طرفه آن‌که این دو اثر با حمایت و اشاره مراجع تقلید آن عصر به رشته تحریر درآمد و همانطور که محمدکاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی بر رساله تنبیه الامه تقریظ نوشتند، رساله انصافیة نیز با اشاره ملا حبیب الله شریف تالیف و با تقریظ وی منتشر شد.

## دومین مواجهه

در جریان نهضت مشروطه و حدود یک دهه پس از آن، آثار زیادی له یا علیه مفاهیم اجتماعی جدید تالیف شد (رک: زرگری نژاد)؛ اما به دلیل سرخوردگی و ناامیدی عالمان دینی از حکومت مشروطه و ظهور دیکتاتوری رضاخان، این مسائل مجال بروز نیافت و به حاشیه رفت. پس از سقوط رضاخان و به دنبال تحولاتی که در عرصه اجتماعی و سیاست کشور پدید آمد و به ملی شدن صنعت نفت انجامید، بار دیگر این اندیشه‌ها جایگاه خود را در مجامع علمی ایران بازیافت و مورد توجه متکلمان قرار گرفت. این بار این مباحث با آشنایی و آگاهی بیشتر و به شکل جدی‌تری مورد بررسی و مذاقه عالمان و متکلمان دینی قرار گرفت.

در مواجهه با آزادی، متکلمان دو موضع اتخاذ کردند: برخی چون طالقانی و بازرگان نگاه مثبتی به آن داشته، کم‌وبیش آزادیهای اجتماعی مندرج در اعلامیه حقوق بشر را می‌پذیرفتند (طالقانی، ۱۳۶۰ ج ۵ صص ۶ و ۲۰۵ و بازرگان، ۱۳۳۵، صص ۱۳۷ - ۱۳۲)؛ برخی نیز به نوعی آزادی محدود معتقد بودند و آزادی عقیده، بیان و قلم را در چارچوبهای خاصی مدنظر داشتند که از جمله می‌توان به طباطبایی و مطهری اشاره-

کرد. (طباطبائی، میزان، ج ۱، صص ۵۷۸-۵۷۷، ج ۴، صص ۱۸۵ تا ۱۸۳؛ در سایه اسلام، ص ۶۴، مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، صص ۱۰۹ تا ۱۰۴). اما در مورد مساوات، همزاد دیگر آزادی، باید اذعان کرد در آنچه به حقوق زنان و برابری اجتماعی زن و مرد مربوط است، تحول عمیقی در اندیشه متکلمان این دوره پدید آمده است؛ برای مثال دیدگاه متجددانه طباطبایی در مورد حقوق اجتماعی زن و تفسیر او از آیات قرآن در این زمینه، نقطه مقابل تفکر عالمان دوره مشروطه و کسانی چون مدرس است (در مورد مدرس رک: ترکمان، ص ۴۴).

البته در اینباره نباید نقش تحولات اجتماعی ایران را نادیده گرفت. طباطبایی بر این باور است که زن برای انجام تمام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی - تا جایی که به حقوق زنانه لطمه نزنند - آزاد است. (طباطبائی، میزان، ج ۴، صص ۳۴۳ و ۳۴۶ و ۵۴۴ و ۵۴۹ و ج ۲، صص ۴۶۴ و ۳۴۹ و ۳۴۸).

در مورد دموکراسی و حکومت مردم نیز کم‌وبیش دو موضع نفی و اثبات به چشم می‌خورد: کسانی چون بازرگان، دموکراسی را قابل تطبیق با حکومت اسلامی می‌دانند، گرچه در اینباره با تناقضاتی مواجه هستند (بازرگان، صص ۱۱۶، ۱۵۵ و ۱۵۶)؛ اما طباطبایی با توسل به شواهد و دلایل نقلی و عقلی، تکیه بر آرای اکثریت را نمی‌پذیرد؛ با این اوصاف، معتقد است در یک کشور اسلامی، حاصل اراده مردم در شکل حکومت اسلامی به وقوع می‌پیوندد. (طباطبائی، میزان، ج ۴، ص ۱۶۴، طباطبایی، ۱۳۴۱، صص ۸۷ و ۸۶). درباره قانون می‌توان گفت متکلمین اسلامی از جمله طباطبایی و مطهری اعتنایی به منشأ عرفی قوانین ندارند؛ اما در چارچوب قوانین ثابت شریعت، قائل به قوانین متغیری هستند که ولی فقیه آنها را برای جامعه وضع می‌کند. این قوانین موقتی است و سلب و ایجاد آن به عهده فقیه است. نکته قابل تأمل این‌که متکلمان مسلمان هیچ‌گاه تعداد و حدود قوانین ثابت را مشخص نمی‌کنند و به‌رغم این‌که این قوانین را عناوینی کلی می‌دانند که قوانین عرفی به‌صورت جزئی می‌تواند تحت آن مشروعیت پیدا کند، تمام قواعد و قوانینی را که در کتاب و سنت مندرج است و عنوان منصوصات دارد، ثابت فرض می‌کنند و بر این باورند که هرچا عقل در مقابل شرع قرار گیرد، حتماً عقل به بی‌راهه رفته است (طباطبایی، ۱۳۶۹، صص ۱۲۹-۱۰۴، مطهری، ۱۳۶۲، ج ۲، صص ۲۸-۸۸).

## مارکسیسم و ماتریالیسم دیالکتیکی

از اوایل دهه بیست هجری شمسی، بحث مارکسیسم و ماتریالیسم میان متکلمان جایگاه ویژه‌ای یافت و از آنجا که در ایران جنبش مارکسیستی طرفداران پرتعدادی یافته بود، بخش عمده‌ای از تلاشهای متکلمان، معطوف به نقد مارکسیسم و مبنای فلسفی آن، یعنی ماتریالیسم دیالکتیک شد. البته پیش از آن نیز در دوره مشروطه و پیشتر اندیشه برابری اقتصادی و سوسیالیسم در آثار کسانی چون ملک‌خان، آقاخان کرمانی و رسولزاده طرح شده بود. حتی سید جمال‌الدین اسدآبادی سالها پیش از مشروطه، نخستین اثر فارسی را در مورد ماتریالیسم، سوسیالیسم و تئوری داروین به نام «نیچریه» با تکیه بر مبنای اخلاقی تألیف کرده‌بود.

اما اولین تلاشهای متکلمان مسلمان در نقد مکتب مارکسیسم و دیالکتیک تاریخی با انتشار آثاری از مرتضی مطهری و عبدالحسین کافی آغاز شد. عالمانی چون حجتی کرمانی و عبدالکریم سروش نیز به نقد این مکتب پرداختند. مطهری با سلاح منطق و فلسفه اسلامی، مدعیات مارکسیستها را در مورد مادی‌بودن ادراک، نسبییت حقیقت و تکامل معرفت بر پایه تضاد، نقد کرده است. وی آن‌چنان که خود اشاره می‌کند، در نقد مبنای فلسفی ماتریالیسم به نوشته‌های تقی آرانی، اولین و مشهورترین ایدئولوگ حرکت مارکسیستی در ایران، استناد می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۲، صص ۱۱۲ - ۱۱۵ و ۱۹۵ - ۲۰۸). عبدالحسین کافی نیز با تکیه بر علوم تجربی، شواهد متعددی در نقض مبنای دیالکتیک ماتریالیستی ارائه می‌کند. (کافی، صص ۱۱ - ۵۲). حجتی کرمانی نیز بر این عقیده است که مارکسیستها تئوری دیالکتیک ماتریالیستی را در راستای اهداف اجتماعی و سیاسی خود وضع کرده‌اند و این کاری غیرمنطقی و غیرعلمی است. وی شواهدی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد این تئوری با علوم طبیعی و حتی با حرکت‌های مارکسیستی سازگاری ندارد. (حجتی کرمانی، ۱۳۶۶، صص ۴۲ - ۱۱۳).

تکیه سروش در نفی دیالکتیک در وهله اول بر فلسفه علم است. وی بر این اساس، دیالکتیک را قانونی غیرعلمی می‌داند و بر این باور است که این قانون باید در فلسفه متافیزیک بررسی شود. وی در چارچوب فلسفه متافیزیک، به نقد دو قانون اصلی دیالکتیک، یعنی «همه پدیده‌ها حاوی تضادند» و «تضاد موجب حرکت است»

می‌پردازد و آنها را مخدوش می‌کند. وی در نقد قاعدهٔ دوم، همچون دیگر متکلمان مسلمان، آن را ناشی از خلط دیالکسینها در عدم تفکیک قوه و فعل می‌داند. (سروش، ۱۳۷۵، صص ۵۷-۱۱۳) همچنین وی در خدشه به قانون «حرکت تکاملی» «پدیده‌ها از ساده به بفرنج» شواهدی ارائه می‌کند. (همو، ۱۳۵۸، صص ۲۴۸ و ۲۵۸، ۲۸۷، ۱۸۹).

همچنین تلاشهای مجدانه‌ای از سوی متکلمان در نفی اقتصاد مارکسیستی، صورت گرفت. این تلاشها در دو جهت انجام شد:

جهت اول نقد مارکسیسم بود که در آن به نقد پایه‌های اصلی اقتصاد مارکسیستی، یعنی نظریهٔ «ارزش اضافی (سود)» و «ارزش (کار پایهٔ ارزش)» و «فلسفهٔ تاریخ» مارکسیسم که بر اساس دیالکتیک تاریخی پایه‌ریزی شده است، پرداخته شد. بیشترین کوشش در این زمینه، از آن مطهری و محمدباقر صدر است. (مطهری، ۱۳۶۷، ۷۲ - ۱۲۱، همو، قیام مهدی ۴۰ تا ۲۷؛ همو، جامعه و تاریخ، ۱۴۶ تا ۷۸، صدر ج ۱، صص ۲۹۵ - ۳۰۰)

جهت دوم، ارائه مکتب اقتصادی اسلام در مقابل اقتصاد مارکسیستی بود. در اینباره می‌توان به آرای طالقانی، مطهری و صدر در مالکیت در اسلام، مبانی اقتصاد اسلامی و جلد دوم اقتصاد ما اشاره کرد. با این احوال، مطهری برای اسلام و سوسیالیسم مرزهای مشترکی نیز قائل است (مطهری، ۱۳۶۷، صص ۹۰۲، ۱۲۵، ۱۲۶). در اینجا باید کوششهای شریعتی را نیز در نفی مارکسیسم و ارائه فراهایی از اقتصاد اسلامی یادآور شد؛ اما باید توجه داشت که نقدهای شریعتی بر مارکسیسم بیشتر به صورت خطابی است و مبنای علمی و منطقی استواری ندارد (برای نمونه رک؛ شریعتی، ۱۳۷۲، صص ۲۴۰ - ۲۲۲).

## علم و دین

مسأله تعارض علم و دین در ایران بر محور نظریهٔ داروین در تکامل انواع شکل گرفت و توجه فراوان متکلمان اسلامی را خصوصاً در دهه‌های چهل و پنجاه هجری شمسی به خود معطوف داشت و آثار فراوانی نیز در این زمینه منتشر شد. جالب این است که متکلمان مسلمان در این‌باره مواضع مختلف و ضد و نقیضی اتخاذ کردند که از پذیرش مطلق داروینیسم تا نفی مطلق آن دامن گسترده. (رک: قراملکی)

برخی نیز چون مطهری و با تفاوت‌هایی طباطبایی برای حل تعارض این تئوری با



قرآن، بیان قرآن در داستان خلقت آدم را بیان ناظر به واقع نمی‌دانند؛ بلکه آن را نمادین و تمثیلی می‌انگارند. به تعبیر دیگر، به تفکیک زبان علم و دین در اینباره باور دارند که این خود مبحثی جدی و عمیق است که مورد توجه فیلسوفان دین و معرفت-شناسان غرب قرار گرفت (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۱۳۱. طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۲۰۲).

## آسیب‌شناسی مواضع متکلمان مسلمان در برخورد با مسائل جدید کلامی

### ۱- عدم آشنایی کامل متکلم با مسأله جدید

در بررسی مسائل کلامی به این نکته برمی‌خوریم که متکلم آشنایی چندانی با مسأله جدید و جایگاه آن ندارد و طبیعی است که این نقصان باعث سردرگمی وی و اتخاذ مواضع غیرعلمی و غیرمنطقی شود. البته باید توجه داشت که آشنایی متکلمان با مسائل، سیر تحولی دارد و متکلمان دهه‌های اخیر نسبت به متکلمان دورهٔ مشروطه، درک بهتری از مسائل دارند. با این احوال، کمتر شاهد آن هستیم که متکلم در یکی از مسائل مورد بحث خود متخصص باشد. در واقع اکثر برخوردهای متکلمان ایران با مباحث، غیرتخصصی است. حتی در مواردی شاهد هستیم که متکلم از طریق یک یا دو اثر، آن‌هم ترجمه شده و دست چندم، با اندیشه‌ای آشنا می‌شود و به نقد آن می‌پردازد. در برخی از موارد، به ویژه در دورهٔ مشروطه به نقدهایی برمی‌خوریم که نشان می‌دهد متکلم حتی در حد یک کتاب و یا مقاله هم با مسأله آشنا نبوده است. این در حالی است که تا آن دوره، دهها اثر در زمینهٔ مسائل جدید در ایران ترجمه یا تألیف شده‌است. از جمله متکلمان، نجفی مرندی، نویسنده رساله *دلایل براهین الفرقان* است که در مخالفت با انتخاب نمایندگان مجلس مشروطه به وسیله مردم، تکیه بر آرای اکثریت را مخالف طبیعت و وجدان می‌داند؛ چون در طبیعت حیوانات از اکثریت پیروی نمی‌کنند. همچنین اهالی حرف و صنایع و آداب و اخلاق نسبت به بقیه در اقلیت هستند. اگر اکثریت حق باشد، لازم می‌آید که تمام طبقات مردم دنیا باطل باشند و این با وجدان ناسازگار است (رک: زرگری نژاد، صص ۴ و ۲۲۲). این‌گونه انتقادات از مسائل جدید کلامی، البته منحصر به این فقره نیست؛ بلکه موارد فراوانی از این قبیل می‌توان یافت.

طبیعی است در جهانی که علوم، تخصصی و بسیار پیچیده شده است، نقد کسی که آشنایی‌اش با مسأله‌ای سطحی است، محل اعتنا نخواهد بود.

## ۲- عدم ایتنای دلایل مخالفت متکلم با مسأله جدید بر قرآن و سنت

در پاره‌ای از مواضع، متکلمان در نقد مسأله‌ای کلامی بر مواردی تأکید می‌کنند که هیچ مبنایی در قرآن و سنت ندارد و فقط چون این مسأله تازگی دارد و برای نخستین بار در جامعه مطرح شده است و احياناً برخی سنتهای ناصواب جامعه، آن را برنمی‌تابد، مورد مخالفت شدید قرار گرفته، مغایر با شریعت تلقی شده است. چه بسا این مسأله هیچ تعارضی با شریعت نداشته است و حتی می‌شده در شریعت قواعدی کلی در مطابقت با آن پیدا کرد.

از مهمترین این مسائل، می‌توان به حق شرکت زنان در انتخاب اشاره کرد که مورد مخالفت شدید مدرس قرار گرفت؛ در حالی که در چند دهه بعد، از نظر کسانی چون طباطبایی این مسأله هیچ تعارضی با شریعت نداشت. بدون شک، مدرس از مترقی‌ترین عالمان دینی دوره مشروطه است؛ اما با توسل به آیه قرآن، در مخالفت با شرکت زنان در انتخابات می‌گوید: از کسانی که حق انتخاب ندارند، نسوان هستند ... (چون) خداوند قابلیت در آنها قرار نداده است که لیاقت حق انتخاب داشته باشند ... خداوند در قرآن می‌فرماید در تحت قیمومتند و حق انتخاب نخواهند داشت، هم دینی و هم دنیوی (ترکمان، ص ۴۴). اما طباطبایی با تکیه بر همان آیه و دیگر آیات، قیمومت مرد بر زن را تا جایی که با حق شوهر مزاحمت نداشته باشد گسترش می‌دهد. (طباطبائی، المیزان، ج ۴، صص ۵۴۹، ۵۴۴). وی معتقد است اعلامیه‌ای در حقوق زن همانند اعلامیه قرآن که می‌فرماید. (بقره ۲۳۴) نخواهید جست (همو، ج ۲، ص ۴۱۴). تجربه انقلاب اسلامی و حضور گسترده زنان در صحنه اجتماع و سیاست نیز نشان می‌دهد که مخالفت عالمان دینی با حضور زنان در انتخابات، بیشتر بر فرهنگ و باورهای موروثی مردم مبتنی بوده است تا کتاب و سنت.

## ۳- اتخاذ مواضع ضد و نقیض درباره موضوعی واحد

ناآشنایی متکلم با مسأله کلامی از طرفی و پیش فرضهای مختلفی که متکلم را به

موضع نفی یا اثبات وامی دارد از طرف دیگر، باعث بروز دو نظریه متضاد در موضوعی واحد می‌گردد. چنانچه در مسأله دارونیسیم، برخی از این تئوری استقبال کرده، و آنرا در جهت متون دینی می‌دانستند و برخی به کلی آنرا نفی و معارض با متون دینی تلقی می‌کردند. این موارد در مواجهه علمای عصر مشروطه با مسائل اجتماعی جدید نیز کم و بیش مصداق دارد. مخالفان مشروطه، هیچ وجه مشترکی بین اسلام و مقولاتی چون آزادی، مساوات، قانون عرفی و رأی مردم قائل نبودند و به طور کلی قوانین مشروطه را مخالف با شریعت تلقی کرده، بلکه معتقد بودند اجرای آنها موجب نابودی اساس دیانت است (نوری، ص ۱۱۴). از طرفی، عالمان دینی موافق مشروطه، حکومت مشروطه را در آن دوران، تنها وسیله اجرای احکام اسلامی می‌دانند. (تائینی، ۱۳۶۱، ص ۷۹).

#### ۴- بی توجهی به کارکرد مسأله کلامی

بیشتر مسائل جدید کلامی دارای کارکردی مثبت است و کارایی آن در این عصر به اثبات رسیده است؛ به گونه‌ای که جهانیان آنرا به عنوان آرمان مد نظر دارند. از جمله این مسائل، آزادی، مساوات، قانون و حکومت مردم است. اما متکلم بدون توجه به کارایی و مقبولیت عام مسأله به نفی آن می‌پردازد. بدیهی است این‌گونه اندیشه‌ها و قوانین که حاصل تلاش بزرگترین اندیشمندان جهان در طول چند سده به منظور ارائه راهکارهای اساسی برای زندگی بشر امروز بوده است، امری منفی نیست که متکلم با جوب نفی به سراغ آن برود؛ اما برخی متکلمان حاضر نیستند دست کم بر کارایی این مسائل صحه گذاشته، سپس به نقد نقاط ضعف آن بپردازند. گویی اینها کالاهایی هستند که اساساً در جهت زدودن دین و اخلاق از پیکر اجتماع عرضه شده‌اند. این قضیه در موضع علمای مخالف مشروطه به چشم می‌خورد؛ برای مثال، درمورد آزادی، که یکی از اصول پایه‌ای حکومت مردمی است، برخی از علمای دوران مشروطه و حتی پس از آن، با طرح آن در جامعه دینی به شدت مخالفت می‌کردند و آنرا ویران کننده قانون الهی و در تعارض با عبودیت خداوند می‌دانستند و معتقد بودند این اصل هیچ نتیجه‌ای جز تحلیل ماحرم‌الله ندارد (نوری، ص ۱۰۹). البته مسلم است که آزادی بی‌حد و حصر نه تنها در اسلام، بلکه در هیچ نظامی مجال بروز ندارد

و همه متفکران با این مقوله موافق هستند؛ بنابراین در همه قوانین، از جمله قانون اساسی مشروطه، آزادیها محدود شده‌اند. بر این اساس، غالب متکلمان مسلمان به جای این‌که با اساس آزادی مخالفت کنند، به جنبه‌های مثبت آن، به‌ویژه محدود کردن قدرت استبداد، حق اظهار عقیده مردم و امر به معروف و نهی از منکر تأکید کرده، آنگاه به جرح و تعدیل و نقد مفهوم آزادی در غرب دل بسته‌اند. (نائینی، صص ۱۵ - ۱۸ و ۲۸؛ مدنی، ص ۷۵؛ طالقانی، ۱۳۲۴، ص ۱۹۹ و بازرگان، ص ۱۳۲).

#### ۵- احساس استغنائی متکلم از علوم جدید

علوم جدید موجب می‌گردد که متکلم در رویارویی با مسائل جدید، از ابزارهای کهنه‌ای که قرن‌ها پیش به ارث برده‌است استفاده کند. این در حالی است که تحولات عمیقی که در سده‌های اخیر در علوم اجتماعی، علوم تجربی، فلسفه و الهیات و دین-شناسی پدید آمده است، ضرورت کسب معارف جدید و ابزار تازه را برای متکلم ایجاد می‌کند. شاید این احساس استغنا از آنجا ناشی می‌شود که متکلم تصور می‌کند مسائل جدید از سنخ مسائل قدیمی هستند؛ درحالی‌که این مسائل در مبانی و محتوا، سنخیت چندانی با مباحث کلامی سده‌های پیشین ندارند.

از میان متکلمان، کسانی چون مطهری به این نقصان عمیق، اعتراف کرده، خواهان تحول اساسی در برنامه‌های حوزه‌های دینی و تأسیس رشته‌های علوم جدید و به‌طور کلی ایجاد کلامی جدید شده‌اند (مطهری، ۱۳۷۶، صص ۲۷ - ۲۹).

## منابع

- ۱\_ آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، تهران، خوارزمی، چ ششم، ۱۳۶۱
- ۲\_ \_\_\_\_\_، اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)، تهران، خوارزمی، چ اول، ۱۳۵۱
- ۳\_ \_\_\_\_\_، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، تهران، دماوند، چ دوم، ۱۳۶۲
- ۴\_ \_\_\_\_\_، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران، پیام، چ دوم، ۱۳۵۵
- ۵\_ \_\_\_\_\_، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران، پیام، چ دوم، ۱۳۴۹
- ۶\_ اسدآبادی، سید جمال‌الدین، نیجریه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، (بی تا)
- ۷\_ الگار، حامد، عین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، چ دوم، ۱۳۶۹
- ۸\_ بازرگان، مهدی، بعثت و ایدئولوژی، مشهد، انتشارات طلوع، ۱۳۴۵
- ۹\_ ترکمان، محمد، مدرس در پنج دوره تقنینیه (جلداول) تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۴
- ۱۰\_ حائری، عبدالهادی، نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، چ اول، ۱۳۶۷.
- ۱۱\_ حجتی کرمانی، علی، مقد دیالکتیک مارکسیستی، تهران، مشعل دانش، چ پنجم، ۱۳۶۶
- ۱۲\_ زرگری نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت، تهران، کویر، ۱۳۷۴
- ۱۳\_ سروش، عبد الکریم، نقدی و درآمدی بر تضاد دیالکتیکی، تهران، حکمت، چ ۱، ۱۳۵۷
- ۱۴\_ \_\_\_\_\_، گفتنمان روشنگر مناظره تلویزیونی با مارکسیستها، ۱۳۵۸
- ۱۵\_ شریعتی، علی، جهان بینی و ایدئولوژی، تهران شرکت سهامی انتشار، چ سوم، ۱۳۷۲
- ۱۶\_ صدر، محمداقرا، اقتصاد ما، (۲جلد)، چ اول، ترجمه محمد کاظم موسوی، تهران انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۴۸
- ۱۷\_ طالقانی، محمود، اسلام و مالکیت، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ دهم، ۱۳۴۴
- ۱۸\_ \_\_\_\_\_، پرتوی از قرآن، چ ۵، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰
- ۱۹\_ طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمداقرا موسوی همدانی، (۲۰جلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، (بی تا)
- ۲۰\_ \_\_\_\_\_، «ولایت و زعامت»، در کتاب درباره مرجعت و روحانیت، نوشته جمعی از دانشمندان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱.
- ۲۱\_ \_\_\_\_\_، اسلام و اجتماع، قم، جهان آرا، (بی تا)
- ۲۲\_ \_\_\_\_\_، اصول فلسفه و روش رئالیسم، پاورقی مطهری، مرتضی، تهران، انتشارات صدرا، چ سوم، ۱۳۷۲
- ۲۳\_ \_\_\_\_\_، مطهری، مرتضی، در سایه اسلام، قم، انتشارات اهل بیت، چ اول، ۱۳۶۹
- ۲۴\_ قراملکی، احد فرامرز، موضع علم و دین در خلقت انسان، تهران، آرایه، چ اول، ۱۳۷۲

- ۲۵\_ کافی، عبدالحسین، شناخت علمی ماتریالیسم، مارکسیسم و اسلام، قم، مرکز بررسیهای اسلامی،  
چ دوم، ۱۳۵۵
- ۲۶\_ مدنی، عبدالرسول، رساله انصافیة، کاشان، مرسل، چ اول، ۱۳۷۸
- ۲۷\_ مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، (۲ جلد)، تهران، صدرا، چ اول، ۱۳۶۲
- ۲۸\_ \_\_\_\_\_، پیرامون انقلاب اسلام، تهران، صدرا، چ سیزدهم، ۱۳۷۶
- ۲۹\_ \_\_\_\_\_، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا، چ ششم، ۱۳۷۰
- ۳۰\_ \_\_\_\_\_، علل گرایش به مادیگری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷
- ۳۱\_ \_\_\_\_\_، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، (بی تا)
- ۳۲\_ \_\_\_\_\_، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، حکمت، چ اول، ۱۳۶۷
- ۳۳\_ \_\_\_\_\_، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، شماره ۵ «جامعه و تاریخ»، تهران، صدرا، (بی تا)
- ۳۴\_ نائینی، محمدحسین، «تنبیه الامة و تزیه الملة یا حکومت از نظر اسلام»، تهران، شرکت سهامی  
انتشار، چ هشتم، ۱۳۶۱
- ۳۵\_ نوری، شیخ فضل الله، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات، ... گردآورنده: محمد ترکمان، مؤسسه فرهنگی  
رسا، ۱۳۶۲، چ اول

